

بررسی ملاک استناد عرفی و نظریه کارشناس در حقوق کیفری ایران

حسن معتمدی^۱ IDصادق رضایپور^۲ ID

* چکیده

مسئله رابطه استناد از مهم‌ترین مسائل حقوق کیفری است که احراز آن در تعیین مسئولیت کیفری یا مدنی و ضمان ناشی از آن نقش بسزایی ایفای می‌کند؛ لذا توجه به این مهم، موجب سهولت و عدالت واقعی در امر قضاوت می‌شود؛ بنابراین پرسشی که قابل طرح می‌باشد این است که آیا در نظام حقوق کیفری ایران، ملاک و معیار احراز رابطه استناد در رفتارهای مجرمانه، عرف می‌باشد یا نظر کارشناسان و متخصصین؟ هرچند که تشخیص و احراز رابطه استناد بر عهده قاضی می‌باشد، اما با تعیین معیار، کمک شایانی در فرایند رسیدگی می‌کنیم. هدف در این مقاله بررسی مراجعی است که در تعیین رابطه استناد مؤثر می‌باشند که با رویکرد و روش نظری و با تتبع در آراء و نظرات به بیان کارکرد و حجیت هر کدام از معیارهای احراز در رابطه استناد می‌پردازد. با فرض اینکه معیار تشخیص رابطه استناد عرف باشد یا نظر متخصصین که هر کدام طرفدارانی دارد؛ اما در این مقاله به این نتیجه می‌رسیم که (طبق قاعده اصولی: الجمع مهما ممکن اولى من الطرح) ملاک و معیار در احراز رابطه استناد عرف متخصص می‌باشد.

واژگان کلیدی: رابطه استناد، حقوق کیفری، استناد عرفی، نظر کارشناسی، مسئولیت کیفری.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

۱. طلبه سطح دو و سه رشته تخصصی فقه و حقوق مدرسه علمیه عالی نواب مشهد-ایران. sheikhhasan1377@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار حوزه علمیه خراسان، مدرس سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، مشهد-ایران. sadeghrezapour1312@gmail.com

* مقدمه

در چشم انداز پیچیده قانون کیفری، احراز علت و معلول بین یک عمل و نتایج آن که به عنوان «رابطه استناد» شناخته می شود، برای تعیین مسئولیت کیفری بسیار مهم است. نظام حقوقی در ایران، با ترکیب منحصربه فرد خود از اصول قانون مدنی و قانون شریعت، نیاز به رویکرد ظریف برای اثبات علت و معلول دارد، به ویژه هنگام برخورد با جرایم کیفری. روش های تعیین علت و معلول (چه از طریق شواهد متعارف و چه از طریق نظرات متخصص) نقش مهمی در روند قضایی دارند و همچنین بر حکم تأثیر بسزایی می گذارند. این امر به معیارهای مختلفی برای اعتبار بخشی بستگی دارد، از جمله «ملاک احراز»، «استناد عرفی» و «نظریه کارشناس» که در تعیین مرز بین مجرمیت و عدم مسئولیت کیفری در نگاه قانون نقش مهمی دارند.

این مقاله به پیچیدگی های احراز علت و معلول در حقوق کیفری ایران می پردازد و بر تجزیه و تحلیل مقایسه ای مرجع عرفی (استناد عرفی) و نظریه متخصص (نظریه کارشناس) تمرکز دارد. این مقاله اهمیت احراز علت و معلول در حقوق کیفری، چارچوب های حقوقی و مقررات مربوط به آن و روش های مورد استفاده برای اثبات چنین ارتباطی را بررسی می کند. علاوه بر این، رویکردهای مختلف برای احراز و اثبات علت و معلول، نقش محوری عرف و نظر متخصص در این فرایند و چگونگی کمک این عوامل به گفتمان گسترده تر در مورد مسئولیت و عدالت در نظام حقوقی ایران را بررسی می کند؛ همچنین با کنار هم قراردادن نظریه کارشناسانه سنتی با رویکرد عرفی احراز استناد هدف آن روشن کردن چالش ها و پیشنهاد پیشرفت در روند اثبات علت و معلول است و در نتیجه به تکامل و درک قانون کیفری ایران کمک می کند.

۱. مفهوم و تعریف رابطه استناد

استناد، مبنای رابطه میان افعال با نتایج حاصل از آنهاست که در تعیین عامل نتیجه و تحمیل مسئولیت در جرایم مقید به نتیجه امری لازم می باشد (صادق و میرزایی، ۱۳۹۷، ص ۷). احراز یک رابطه علی که به عنوان رابطه استناد شناخته می شود، نقش مهمی در تحمیل مسئولیت کیفری یا مدنی بر یک شخص دارد. این مفهوم اساساً با عنصر مادی یک جرم مرتبط است؛ بنابراین دارای ماهیت ملموس و علمی است که هدف آن اثبات این است که چنین رابطه ای به عنوان مجرای اثرات مادی اقدامات درگیر در ایجاد آسیب عمل می کند (صادق، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸). در صورت عدم وجود عناصر مؤثر در این رابطه، یعنی علل و نتایج

تهاجمی، بحث به نفی رابطه علی و در نتیجه عدم مسئولیت کیفری مرتکب منجر می‌شود؛ علاوه بر این، باید اذعان کرد که این رابطه از طریق ابزارهای ملموس و علمی اثبات شده است. فرضیه‌های ذهنی یا معمول (عرفی) براساس نرمش در اینجا جایی ندارند. چنین ملاحظاتی تنها به حدی مرتبط هستند که با واقعیت‌های موجود هماهنگ باشند و از روش‌های علمی و منطقی مشتق شده باشند (ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۹۰، ص ۸۶-۷۳). با در نظر گرفتن مقررات حقوق کیفری ایران، بحث در مورد جزئیات عمیق ترمی‌شود و بر ضرورت بررسی دقیق رابطه علی در زمینه‌های حقوقی تأکید می‌کند. این شامل بررسی کامل چگونگی اثبات ارتباطات علی در اعمال جنایی است که بر اهمیت هماهنگی این ارتباطات با اصول واقعی و منطقی برای حفظ عدالت و پاسخگویی مؤثر تأکید می‌کند.

۲. اهمیت احراز رابطه استاندارد در حقوق کیفری

در قانون مجازات اسلامی، قانونگذار ایجاد پیوند علی در تحمیل مسئولیت کیفری و مدنی را پذیرفته است؛ با این حال معیار یا قاعده کلی برای به رسمیت شناختن آن تعیین نشده است و حتی تعریف دقیق نیز ارائه نشده است؛ با این حال درک و بررسی این رابطه برای اثبات جرم و نسبت دادن آن به مرتکب بسیار مهم است؛ با توجه به این دغدغه، در این تحقیق به بررسی رابطه علی، درک جایگاه آن و روش‌های اثبات آن پرداخته شده و هدف آن نشان دادن این است که رابطه علی فاقد مقررات استاندارد است و نیاز به بررسی هر مورد به صورت جداگانه دارد. ضروری است که آداب و رسوم و شرایط هر مورد را در نظر بگیریم تا یک حکم دقیق‌تر و عادلانه‌تر ارائه دهیم؛ اولاً شرایط هر پرونده حتی اگر عناوین مجرمانه یکسان باشد، متفاوت است و امکان اعمال یک قاعده خاص در همه پرونده‌ها وجود ندارد؛ ثانیاً عوامل متعددی مانند قواعد فقهی و عناصر انسانی از جمله قربانی جرم، در قطع ارتباط علی و نفی مسئولیت مرتکب نقش دارند. بنابراین شرایط خاص هر مورد باید توسط عمل معمول (عرفی) بررسی شود تا در نهایت رابطه علی برای تحمیل مسئولیت کیفری بر مرتکب ایجاد و تأیید شود.

یکی از بحث‌های مهم و چالش برانگیز در حقوق کیفری، به ویژه هنگامی که عوامل متعددی به نتیجه حاصل کمک می‌کنند، بحث در مورد رابطه علی است. اهمیت رابطه علیت در فعل و نتیجه به این دلیل است که مسئولیت و تضمین ناشی از آن، همیشه به اثبات اینکه نتیجه جنایی به چه کسی نسبت داده می‌شود بستگی دارد؛ در نتیجه، قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از اصطلاحاتی مانند

«مستند» و «مرجع» استفاده کرده است که اهمیت این موضوع را برجسته می‌کند و اساساً مسئولیت و تضمین جنایی را مشروط به اثبات یا رد رابطه علی می‌کند (نادری عوج بغزی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۷۰-۱۷۵).

۳. روش‌های احراز رابطه استناد

۳-۱. روش عرفی

در زمینه احراز روابط علی در حقوق کیفری، رویکرد معمول (عرفی) اغلب نقش محوری دارد، به ویژه هنگامی که عوامل متعددی در نتیجه دخیل هستند. به طور کلی مشاهده می‌شود که دادگاه‌ها پس از مشورت با کارشناسان و تجزیه و تحلیل مبتنی بر درصد آنها از حوادث، تمایل دارند با رعایت این نظرات کارشناسان قضاوت کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۴۷۰)؛ با این حال این وابستگی به بینش‌های معمول (عرفی)، این سوال را مطرح می‌کند که آیا این روش‌ها به اندازه کافی پیچیدگی‌های ذاتی علت را برطرف می‌کنند؟ رویکرد معمول (عرفی)، درحالی که به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است، باید از طریق تفسیرها و کاربردهای مختلف حرکت کند تا نتایج قانونی عادلانه و دقیق را تضمین کند.

۳-۲. روش کارشناسانه

از سوی دیگر، رویکرد مبتنی بر تخصص در علّیت بر ضرورت تجزیه و تحلیل دقیق و علمی انجام شده توسط متخصصان تأکید می‌کند. کارشناسان وظیفه دارند علت یک حادثه را شناسایی کرده و میزان ارتباط این علل با عواقب نسبت داده شده به مرتکب را تعیین کنند (زراعت، ۱۳۸۸، ص ۳۶۰-۳۶۵). این روش به شدت به اصول علمی و ارزیابی‌های عینی تکیه می‌کند که می‌تواند درک دقیق‌تری از روابط علی در فعالیت‌های جنایی ارائه دهد؛ با این حال چالش در ادغام ارزیابی‌های متخصص با روند قضایی برای تشکیل یک پایه منسجم برای قضاوت‌های حقوقی است. دادگاه‌ها باید نظرات کارشناسان را با استانداردهای قانونی متعادل کنند تا اطمینان حاصل شود که علت و معلول به گونه‌ای ایجاد شده است که اصول عدالت و پاسخگویی را حفظ کند (برهانی و بادکوبه هزاوه، ۱۴۰۰، ص ۳-۴).

۴-روش‌های تشخیص و احراز رابطه استناد

در حوزه حقوق کیفری، تعیین علت و معلول، به ویژه هنگامی که عوامل متعددی درگیر هستند، یک چالش مهم را ارائه می‌دهد. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ بر اهمیت ایجاد پیوند علی با استفاده از

اصطلاحاتی مانند «مستند» و «مرجع» تأکید می‌کند که بر ضرورت اثبات یار دلت برای تعیین مسئولیت کیفری تأکید می‌کند (نادری عوج بغزی، ۱۴۰۱، ص ۳). بررسی روش‌های احراز علت و معلول در حقوق کیفری نیازمند تحقیقات عمیق است؛ عواملی که ممکن است ارتباط علی را قطع کنند، درک آنها بسیار مهم است؛ زیرا آنها به طور مستقیم بر دامنه مسئولیت و تضمین در قانون کیفری تأثیر می‌گذارند. قطع ارتباط علی می‌تواند پیامدهای قابل توجهی داشته باشد که بر میزان مسئولیت و تضمین عدالت تأثیر می‌گذارد (همان، ص ۷-۸). چارچوب حقوقی در ایران، به ویژه قانون مجازات اسلامی، تحقیقات کامل درباره هر مورد را برای تعیین علت و معلول اجباری می‌کند. این شامل بررسی دقیق عوامل مؤثر و تعامل آنها است که برای یک روند دآوری عادلانه ضروری است؛ علاوه بر این، سیستم حقوقی، پیچیدگی تعیین علت و معلول را زمانی که عوامل متعددی به نتیجه کمک می‌کنند تشخیص می‌دهد. این پیچیدگی نیاز به یک رویکرد دقیق و اغلب مورد خاص دارد تا اطمینان حاصل شود که عدالت به طور دقیق و عادلانه انجام می‌شود؛ در نتیجه روند احراز علت و معلول در حقوق کیفری نه تنها یک جنبه اساسی از دادرسی حقوقی است بلکه یک تلاش پیچیده است که نیاز به درک دقیق از عناصر حقوقی، واقعی و غیرمستقیم دارد.

۵. رویکردهای مختلف در احراز رابطه استناد

۵-۱. رویکرد عرفی

رویکرد مرسوم در احراز علت و معلول در حقوق کیفری ریشه در این اصل دارد که افراد مسئول اعمالی هستند که معمولاً توسط هنجارهای اجتماعی به آنها نسبت داده می‌شود. این اصل به طور گسترده‌ای به عنوان یک واقعیت منطقی و مرسوم پذیرفته شده است که نمی‌تواند مورد بحث قرار گیرد. در مواردی که اقدامات فرد منجر به آسیب شود، مانند تصادفات منجر به مرگ، طرف مسئول موظف است خسارت را جبران کند؛ زیرا عمل مضر معمولاً به آنها نسبت داده می‌شود. این روش نیازی به اثبات غفلت ندارد، مسئولیت صرفاً بر اساس پیوند معمول قانون به فرد تعیین می‌شود؛ علاوه بر این در فقه اسلامی، بسیاری از موارد انتساب مرسوم در عرف را به عنوان پایه مسئولیت ذکر می‌کنند؛ به عنوان مثال اگر اقدامات فرد، تحت تأثیر نیروهای خارجی مانند طوفان، منجر به مرگ دیگری شود، فرد تحت تأثیر طوفان مسئول نیست؛ زیرا مرگ به یک علت خارجی نسبت داده می‌شود، نه اقدام مستقیم آنها.

۵-۲. رویکرد کارشناسانه

اما برعکس رویکرد عرفی، رویکرد مبتنی بر تخصص در علت و معلول حقوقی بر تجزیه و تحلیل دقیق و علمی برای ایجاد ارتباط بین اقدامات و نتایج تأکید می‌کند؛ به عبارتی، کارشناسان نقش مهمی در تشخیص علت یک حادثه و میزان نسبت دادن آن به اقدامات متهم دارند (صادق و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۴۱). این روش به ارزیابی‌های عینی و علمی متکی است که به شکل‌گیری درک دقیق روابط علی در پرونده‌های جنایی کمک می‌کند.

سیستم قضایی اغلب پس از تجزیه و تحلیل مبتنی بر درصد حوادث برای تصمیم‌گیری آگاهانه به نظرات کارشناسان تکیه می‌کند؛ با این حال، این سؤال باقی می‌ماند که آیا این وابستگی برای رفع پیچیدگی‌های علت و معلول کافی است وقتی عوامل تأثیرگذار متعددی درگیر هستند؟ ادغام ارزیابی‌های تخصصی با استانداردهای قانونی برای اطمینان از احراز علت و معلول به گونه‌ای که عدالت و پاسخگویی را حفظ کند، ضروری است (نادری عوج بغزی و صانعی، ۱۴۰۱، ص ۲۲).

۶. نقش عرف و روش کارشناسانه در احراز رابطه استناد

۶-۱. نقش عرف

عرف، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین منابع حقوقی، مستقیماً از اراده مردم نشئت می‌گیرد و دولت در ایجاد آن نقشی ندارد. این قاعده به تدریج میان مردم الزامی می‌شود و در نظام‌های حقوقی مانند «حقوق کامن‌لا» که بر پایه حقوق نانوشته استوار است، اهمیت بسزایی دارد (زمانی، ۱۳۹۰، ص ۷۸). در حقوق انگلستان که به عنوان حقوق عرفی شناخته می‌شود، عرف به معنای رویه‌ای است که دادگاه‌ها بین خود مرسوم کرده‌اند (نورمحمدی، ۱۴۰۰، ص ۹-۱۳). عرف در تفسیرهای جدید حقوقی نقش مؤثری دارد و می‌تواند در استنباط‌های فقهی و حقوقی به کار رود. این موضوع به خصوص در مواردی که قوانین نوشته شده پاسخگوی مسائل نیستند، اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا عرف می‌تواند به عنوان یک منبع تکمیلی برای تشخیص موضوعات و حل اختلافات و نیز تعیین مسئولیت‌ها به کار رود (همان، ص ۱۳).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از جمع محتوای مواد ۴۹۲، ۵۰۰، ۵۰۵، ۵۰۸ و تبصره ۱ و ۲ آن، تبصره ۲ ماده ۵۱۴، تبصره ماده ۵۱۷، تبصره ماده ۵۳۲ و همچنین مواد ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۳ و ۵۳۷ برداشت

می‌شود که با توجه به کاربرد سه واژه «استناد»، «انتساب» و «مستند»؛ قانون‌گذار تشخیص رابطه سببیت را به تشخیص عرف واگذار کرده است؛ زیرا می‌توان گفت هنگامی که مقنن عبارتی را در قانون به کار می‌برد اما اقدام به تعریف آن نمی‌نماید بدین معناست که برداشت عرفی از آن دارای حجیت است؛ بنابراین نباید از واژگان استناد و انتساب و مستند به دنبال مفهوم خاص فنی و یا تخصصی بود بلکه باید آنها را حمل بر معنای عرفی نمود و به همین دلیل است که گفته می‌شود قاطبه عرف است، مگر آنکه خلاف آن تصریح شود (برهانی و پارساییان، متعلقات خطابات مقنن یا شارع ۱۳۹۲، ص ۱۵۲). علاوه بر این در منابع متعدد فقهی به وضوح بیان شده مراد از استناد، استناد عرفی بوده و در استفتائات مختلف در پاسخ به این سؤال که حاکم در استناد کیست؟ به صراحت پاسخ داده شده که عرف، حاکم در استناد است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵).

۶-۲. نقش روش کارشناسانه

رویه غالب محاکم آن است که پس از مشورت با کارشناسان و دریافت نظریه‌های آنها، قضات با تکیه بر این نظریه‌ها، به صدور رأی می‌پردازند. این امر نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر نظر کارشناس در تعیین ضمان و مسئولیت کیفری است. با این حال سؤال اساسی این است که آیا کارشناسان واقعاً قادر به احراز رابطه استناد در جرایم هستند؟ (نادری عوج بغزی و صانعی، ۱۴۰۱، ص ۹-۱۳) بررسی نقش نظر کارشناس در احراز رابطه استناد نشان می‌دهد که کارشناسان با استفاده از دانش و تخصص خود، می‌توانند سبب حادثه را تشخیص دهند و این تشخیص به قضات کمک می‌کند تا با دقت بیشتری به احراز رابطه استناد بپردازند. این رویکرد کارشناسانه به دلیل تکیه بر اصول علمی و دقت بالا، می‌تواند در افزایش کیفیت تصمیم‌گیری‌های قضایی مؤثر باشد (همان، ص ۲۰-۲۵).

۷. نقش کارشناسان در احراز رابطه استناد

در حوزه حقوق کیفری، نقش کارشناسان در احراز علت و معلول بسیار مهم است، به ویژه هنگامی که نتیجه شامل عوامل متعدد کمک‌کننده است. به طور کلی مشاهده می‌شود که شیوه قضایی ایران اغلب برای تعیین میزان مشارکت هر عامل به تجزیه و تحلیل متخصص متکی است. این شهادت کارشناسی به عنوان یک موضوع اصلی در نظر گرفته می‌شود که نتایج جنایی را به رفتار مرتکب ارتباط می‌دهد، به ویژه در جنایات که به طور خاص نتیجه‌گرا و مقید به آن هستند. کارشناسان وظیفه تعیین علت یک حادثه را بر عهده دارند. ارزیابی‌های آنها به مستندسازی نتیجه به اقدامات مرتکب کمک می‌کند که یک معیار مهم برای مسئولیت کیفری و تعهدات حاصل است. با این حال مهم است که بدانیم که بررسی علت و معلول در



جرائم مطلق نیازمند تحقیقات مستقل است و پیچیدگی احراز علت و معلول در چنین مواردی را برجسته می‌کند. علاوه بر این، قوه قضایی به طور سنتی به نظرات کارشناسان اشاره می‌کند تا نقش‌ها و میزان مشارکت هر عامل کمک‌کننده در وقوع این حادثه را مشخص کند.

این رویکرد تأثیر قابل توجهی از ارزیابی کارشناسان در تصمیمات قضایی را نشان می‌دهد، جایی که تعیین علت و معلول اغلب به تجزیه و تحلیل پیچیده ارائه شده توسط این متخصصان بستگی دارد. علاوه بر شناسایی علل، کارشناسان نقش محوری در ارزیابی عوامل متعدد برای رسیدن به نتیجه دارند؛ با این حال در نهایت وظیفه قاضی است که رابطه علی را مشخص کند و نتایج جنایی را به مرتکب یا مرتکبان نسبت دهد که نشان‌دهنده مسئولیت‌های قانونی قوه قضایی در روند احراز علت و معلول است. این تحقیق همچنین به ابعاد حقوقی و فقهی نظرات کارشناسی و مبانی آنها می‌پردازد و کاربرد و عملکرد آنها را در برخورد با علل متعدد در زمینه تعیین مسئولیت کیفری و ضمانت‌های آن مورد بحث قرار می‌دهد. این گزارش نتیجه می‌گیرد که با تخصصی شدن جنایات و جوامع، نظرات کارشناسان به عنوان ابزاری برای احراز علت و معلول به طور فزاینده‌ای مهم شده است؛ اگرچه وظیفه اصلی یک متخصص تعیین علت یا علل درگیر در یک حادثه و مشخص کردن سهم هر یک است، اما در نهایت بحث در مورد علت و معلول، همچنان یکی از وظایف قانونی قاضی است (نادری عوج بغزی و صانعی، ۱۴۰۱، ص ۱۵-۲۲).

۸. مثال کاربردی در احراز رابطه استناد

۸-۱. جرائم ترافیکی

در مورد جرائم ترافیکی، استناد عرفی و نظریه کارشناسی اغلب در تعیین علت و مسئولیت حوادث رانندگی به کار می‌رود، به عنوان مثال در حادثه‌ای که یک اتومبیل فیات به دلیل انحراف به چپ با اتومبیل پیکان برخورد کرده و منجر به آسیب دیدگی شدید شده است، کارشناسان پلیس راه علت اصلی تصادف را بی احتیاطی راننده فیات تشخیص داده‌اند (<http://www.moaydilawyer.com/laws/> ۱۹۲۳۹/). این نوع تحلیل‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا می‌تواند در تعیین مسئولیت‌های قانونی و جبران خسارات ناشی از حادثه نقش مهمی ایفا کند و نیز در جرائم ناشی از بی احتیاطی، استناد به نظریه کارشناسی برای اثبات عدم مسئولیت می‌تواند حائز اهمیت باشد. در مثال بالا، راننده اتومبیل فیات پس از تصادف، با اینکه اعتراف کرده که به دلیل بی احتیاطی خود، مقصر است؛ اما دادگاه با استناد به نظریه کارشناسی

و مدارک موجود در پرونده، راننده را ملزم به پرداخت غرامت کرده است (http://www.moaydilawyer.com/laws/۱۹۲۳۹/).

این مثال نشان می‌دهد که چگونه نظریه کارشناسی می‌تواند در احراز رابطه استناد و تعیین میزان مسئولیت در جرایم ناشی از بی احتیاطی موثر و تعیین کننده باشد. این تحلیل ها و موارد کاربردی نشان دهنده اهمیت نقش عرف و نظریه کارشناسانه در احراز رابطه استناد در جرایم مختلف است. استفاده از مواد قانونی حقوق کیفری ایران و ارائه نظر در مسئله به صورت تخصصی و دقیق، می‌تواند به ورود به جزئیات و درک بهتر مسائل در این زمینه کمک کند.

۹. تفاوت های دیدگاه عرفی و علمی در احراز رابطه استناد

در قلمرو احراز علت در حقوق کیفری ایران، تضاد قابل توجهی بین دیدگاه های معمول (عرفی) و متخصص (کارشناسی) وجود دارد. رویکرد معمول (عرفی) که عمیقاً در هنجارها و شیوه های اجتماعی ریشه دارد، اغلب مسئولیت را بر اساس اجماع عمومی و شیوه های سنتی نسبت می‌دهد. این دیدگاه بر این باور است که افراد مسئول اعمالی هستند که به طور متعارف به آنها نسبت داده می‌شود که نشان دهنده درک گسترده تر و ریشه دار فرهنگی از علت و معلولیت است. برعکس، رویکرد کارشناسانه به شدت به تجزیه و تحلیل علمی و بررسی دقیق متکی است. از کارشناسان خواسته می‌شود تا ارزیابی دقیق و عینی از علت و معلول ارائه دهند و بر نیاز به شواهد تجربی و دقت روش شناسی تأکید کنند. این دیدگاه علمی تضمین می‌کند که علت و معلولیت فقط یک مسئله سنتی یا پذیرش عمومی نیست، بلکه با شواهد واقعی و قابل تأیید اثبات می‌شود (برهانی و بادکوبه هزاوه، ۱۴۰۰، ص ۱۲-۱۹).

تفاوت بین این دو دیدگاه می‌تواند به طور قابل توجهی بر نتایج حقوقی تأثیر بگذارد؛ به عنوان مثال، رویکرد معمول (عرفی) ممکن است منجر به قطعنامه های سریع تر در مواردی شود که هنجارهای اجتماعی به خوبی تثبیت شده و به طور گسترده ای پذیرفته شده اند. با این حال این می‌تواند به طور بالقوه تفاوت های ظریف را که یک تحلیل دقیق تر متخصص ممکن است نشان دهد، نادیده بگیرد؛ از سوی دیگر، درحالی که رویکرد متخصص یک بررسی دقیق تر و علمی معتبر ارائه می‌دهد، ممکن است به منابع و زمان بیشتری نیاز داشته باشد، احتمالاً روند قانونی را پیچیده می‌کند (همان، ص ۱۲-۲۰). علاوه بر این، ادغام هر دو دیدگاه در فرآیندهای قضایی می‌تواند یک رویکرد متعادل تر ارائه دهد، اطمینان حاصل شود که علت و

معلولیت نه تنها بر اساس هنجارهای اجتماعی، بلکه با شواهد تجربی نیز پشتیبانی می‌شود. این رویکرد ترکیبی می‌تواند به طور بالقوه منجر به نتایج عادلانه‌تر و مطابق با واقع در داوری مسئولیت‌های کیفری شود (همان).

۱۰. مشکلات احراز رابطه استناد و پیشنهادات

بحث علّیت و استناد بدون شک یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین موضوعات در زمینه حقوق است، به ویژه در مورد تعیین مسئولیت کیفری و آثار و تضمین‌های حاصل از آن که بسیار حائز اهمیت است (نادری عوج بغزی و صانعی، ۱۴۰۱، ص ۱۵-۱۹) در حالی که احراز علت و معلول با یک عامل درگیر ممکن است مشکلات قابل توجهی ایجاد نکند اما وجود عوامل مداخله‌کننده و تأثیرگذار متعدد، تشخیص و روند احراز را به طور قابل توجهی پیچیده می‌کند (همان). این پیچیدگی اغلب منجر به نظرات متفاوت در میان دانشمندان و دکترین در مورد چگونگی احراز مؤثر علت و معلول و نیز تشتت آرا در محاکم قضایی می‌شود (همان).

صرف نظر از پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های مربوط به احراز علت و معلول، عمل رایج در دادگاه‌ها مراجعه به نظرات کارشناسان پس از تجزیه و تحلیل مبتنی بر درصد حوادث است. قضات معمولاً هنگام صدور حکم خود به این نظریه‌های متخصص متکی هستند (همان)؛ اگرچه کارشناسان قادر به شناسایی علت یک حادثه هستند، اما سؤال این است که آیا کارشناسان واقعاً قادر به احراز رابطه علت و معلول در جرایم هستند و آیا قوه قضایی می‌تواند در زمان حکم به نظرات کارشناسان برای احراز علت و معلول تکیه کند (همان)؟ این مقاله چالش‌هایی را که در روند قضایی با عوامل متعددی مواجه است، برجسته می‌کند و بر نیاز به تجزیه و تحلیل دقیق کارشناسان و اختیار قضایی برای اطمینان از نتایج قانونی عادلانه و دقیق تأکید می‌کند.

یکی از مشکلات مهم در حقوق کیفری شامل پیچیدگی و دشواری احراز و تشخیص علت و معلول است، به ویژه هنگامی که عوامل متعددی به نتیجه کمک می‌کنند. این پیچیدگی مستلزم اثبات رفتار کدام طرف است که نتیجه جنایی را می‌توان به آن نسبت داد؟ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ از اصطلاحاتی مانند «مستند» و «مرجع» برای تأکید بر اهمیت اثبات یار علت و معلولیت استفاده می‌کند که در نهایت به مسئولیت و تضمین ناشی از مسئولیت کیفری بر می‌گردد (نادری عوج بغزی و صانعی، ۱۴۰۱، ص ۲۰-۲۴).

علاوه بر روش‌های احراز و تشخیص علت و معلول در یک عمل مجرمانه در حقوق کیفری که نیاز به تحقیقات بیشتر دارد، این مطالعه به این موضوع می‌پردازد که چه عواملی می‌توانند ارتباط علت و معلول را قطع کنند. درک پیامدهای قطع ارتباط علی در حقوق کیفری بسیار مهم است، زیرا بر دامنه مسئولیت و تضمین تأثیر می‌گذارد (همان). در مرحله دوم تشخیص و تعیین علت و معلول، نظر عرفی به عنوان معیار عمل می‌کند؛ درحالی که نظر متخصص فقط در مواردی که شامل چندین علت همزمان است، در نظر گرفته می‌شود (برهانی و بادکوبه هزاوه، ۱۴۰۰: ص ۱۳-۱۵). این تمایز بر لزوم تمایز بین علت و انتساب مادی از طریق قضاوت عرفی تأکید می‌کند و اهمیت تشخیص بین این مفاهیم را برای ارزیابی‌های حقوقی دقیق برجسته می‌کند (همان).

کارشناسان بر شناخت جنبه‌های مادی یک حادثه و عوامل مؤثر بر وقوع آن تمرکز می‌کنند. به عنوان مثال، در فرضی که شامل یک عابر پیاده و تصادف وسیله نقلیه است، عواملی مانند لغزش جاده‌ها، شرایط تاریک، نقص فنی به دلیل مهارت‌های تعمیر ناکافی و حضور غیرمجاز عابر پیاده در محدوده، تخصص کارشناسان است (همان، ص ۵-۶)؛ با این حال اگر یک متخصص در مورد اینکه آیا عدم وجود ترتیبات ایمنی در یک کارگاه به طور غیرمستقیم باعث آسیب می‌شود نظر دهد، خارج از صلاحیت آنها خواهد بود (همان).

بنابراین، درحالی که کارشناسان باید بر عوامل مادی و تأثیرگذار یک حادثه تمرکز کنند، قضات باید برای برقراری رابطه علی و نسبت دادن جرم یا آسیب به طرف مسئول به شیوه مشترک مراجعه کنند. این رویکرد تضمین می‌کند که روند احراز و تشخیص علت و معلول در حقوق کیفری هم کامل و هم مطابق با استانداردهای قانونی و معمول (عرفی) است.

در نهایت برای مقابله با چالش‌ها و نیز پیشنهاد پیشرفت برای احراز و تشخیص علت و معلول در حقوق کیفری، ضروری است که ادغام الگوریتم‌های متعارف اعم از احراز عرفی و نظر کارشناس را با تقویت نظریه‌هایی که این تحقیق باب شکوفایی و فعالیت در این زمینه را برای نظریه‌پردازی باز گذاشته است، در نظر گرفته شود تا در نهایت از جمع بین این دو قالب (متعارف و نظر کارشناسانه) احراز استناد معلول به علت آسان‌تر شود. این روش‌ها نه تنها یک رویکرد ساختاری را فراهم می‌کنند؛ بلکه قابلیت اطمینان و دقت نظر در نسبت دادن مسئولیت در موارد پیچیده حقوقی را نیز افزایش می‌دهند. علاوه بر این، نقش شیوه‌های

عرفی در فقه و حقوق کیفری به طور قابل توجهی بر اثبات علت و معلول تأثیر می‌گذارد. کاربرد این شیوه‌های عرفی می‌تواند در تفسیرها و تصمیمات حقوقی، به ویژه در مواردی که قوانین کتبی کافی نیست، مانند مواردی که موضوع مشتبّه است، محوری باشد.

نقش متخصص در روند قانونی، به ویژه در موارد مربوط به عوامل متعدد، بسیار مهم است. کارشناسان در شناسایی علل اصلی یک حادثه کمک می‌کنند و به طور قابل توجهی در تعیین قضایی علت و معلولیت نقش ایفا می‌کنند. با این حال، در نهایت وظیفه قوه قضایی این است که رابطه استناد را مشخص کند و نتایج و آثار جنایی را مطابق با آن نسبت داده و اعمال کند. این رویکرد نه تنها روند قضایی را تقویت می‌کند؛ بلکه تضمین می‌کند که علت ایجاد شده عادلانه و بر اساس واقع است.

در نتیجه، بهبود روند احراز و تشخیص علت و معلول در حقوق کیفری نیازمند یک رویکرد چندوجهی است که شامل بهبود الگوهای موجود، ادغام عمیق تر تجزیه و تحلیل متخصص و درک کامل نقش شیوه‌های معمول (عرفی) در تفسیرهای حقوقی است. این مراحل به یک سیستم حقوقی کمک می‌کند که به طور مؤثر، پیچیدگی‌های علت و معلول و احراز آن در مسئولیت‌های جنایی را برطرف کند.

* نتیجه‌گیری

از دیدگاه کلی حقوق کیفری و به‌طور خاص در زمینه حقوق کیفری ایران، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای بین مرجع عرفی و نظریه متخصص در احراز علت و معلول به‌طور دقیق در طول این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. این نقش محوری هر دو رویکرد را در هدایت پیچیدگی‌های نسبت دادن مسئولیت جنایی برجسته و آشکار می‌کند. با بررسی تفاوت‌های ظریف بین «استناد عرفی» و «نظریه کارشناس»، این مباحث نه تنها با مشکلات و چالش‌هایی روبرو هستند؛ بلکه ظرفیت افزایش نتایج قضایی را نیز برجسته کرده و بالتبع موجب تثبیت آرادر محاکم می‌شود. تعامل بین شیوه‌های معمول (عرفی) و تجزیه و تحلیل متخصص (نظر کارشناسانه) گفتمان حقوقی را غنی و دیدگاه چند بعدی در مورد علت و معلول را فراهم می‌کند که برای قضاوت عادلانه و دقیق، ضروری است؛ به‌علاوه این اکتشاف جامع ریشه در اصول حقوق کیفری ایران دارد و بینش حیاتی در مورد پویایی علت و معلولیت قانونی ارائه می‌دهد.

این نه تنها اهمیت هماهنگی با چارچوب‌های قانونی تعیین شده و درگیر شدن در بررسی دقیق را تأیید می‌کند؛ بلکه همچنین از یک رویکرد آگاهانه و مورد به مورد برای تعیین مسئولیت حمایت می‌کند. این درخواست برای ادغام نظرات عرفی و تخصصی، راه را برای تکامل قانونی بیشتر و اصلاح شیوه‌هایی که تضمین می‌کند عدالت، هم خدمت می‌شود و هم به‌عنوان خدمت درک می‌شود، هموار می‌کند؛ با توجه به پیچیدگی‌های ذاتی در احراز علت و معلول، در این مقاله سعی شده مسیر پیشرو را روشن کند تا باب گفتگوها و تحقیقات مداوم برای افزایش اثربخشی و یکپارچگی سیستم حقوقی در رسیدگی به مسئولیت‌های جنایی و کیفری باز شود تا بر اساس پویایی نظام حقوقی ایران نظریه‌ها مستحکم شده و از اتقان بیشتری برخوردار شوند.

* فهرست منابع

۱. برهانی، محسن و بادکوبه هزاوه، آرش، (۱۴۰۰)، «جایگاه نظر کارشناس در احراز رابطه سببیت»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۱۱۳، صفحات ۶۹-۹۱.
۲. حاجی ده آبادی، احمد و نکونام، وحید، (۱۴۰۲)، «تبیین و بررسی رابطه استناد و نقش و تاثیر عرف در احراز آن برای تحقق تحمیل مسئولیت کیفری»، *فصلنامه فقه جزای تطبیقی*، شماره ۵، صفحه ۶۵-۷۸.
۳. حاجی ده آبادی، احمد، (۱۴۰۲)، *جرایم علیه اشخاص (قتل)*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
۴. زراعت، عباس، (۱۳۸۸)، *ادله اثبات دعوا*، کاشان: انتشارات قانون مدار.
۵. زمانی، محمود، (۱۳۹۱)، *عرف و عادت در نظم حقوقی ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۶. صادقی، محمد هادی و میرزایی، محمد، (۱۳۹۸)، «ماهیت رابطه استناد و معیار احراز آن»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۲۱، صفحات ۱۶۷-۱۹۴.
۷. صادقی، محمد هادی، (۱۴۰۱)، *جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)*، چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات میزان.
۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، *الزام های خارج از قرارداد*، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
۹. نادری عوج یغزی، جواد و احمد رضا امتحانی و علی پایدار فرد، (۱۴۰۱)، «بررسی عوامل قطع رابطه استناد در حقوق کیفری»، *تمدن حقوقی*، شماره ۱۱، صفحات ۱۶۹-۱۹۱.
۱۰. نادری عوج یغزی، جواد و صانعی، فاطمه، (۱۴۰۱)، «واکاوی رویکرد کارشناسانه در احراز رابطه استناد»، *تمدن حقوقی*، شماره ۱۳، صفحات ۲۳۳-۲۵۸.
۱۱. نائینی، احمد رضا، (۱۳۸۸)، «نقش کمیسیون های قانون مدنی در تنظیم مواد این قانون»، *مجله پیام بهارستان*، شماره ۵، صفحات ۳۲۴-۳۵۲.
۱۲. نور محمدی، فاطمه، (۱۴۰۰)، «جایگاه استناد به عرف در رویه قضایی ایران در مقایسه با حقوق کامن لا»، *مجموعه مقالات نخستین کنفرانس ملی آسیب های اجتماعی و روانی با تاکید بر علوم رفتاری*، شماره ۱، صفحات ۴۸۱-۴۹۶.



Journal of New Jurisprudential–Legal Teachings

Vol.1, No.1, Spring and Summer 2026

—Research Article—

The Criterion of Customary Attribution and Expert Opinion in Iranian Criminal Law: An Analytical Study

Hassan Motamedi¹ 

Sedeq Rezapour² 



* Abstract

The issue of the link of attribution constitutes one of the most fundamental matters in criminal law, as its establishment plays a decisive role in determining criminal or civil liability and the ensuing obligations. Consequently, due attention to this critical issue facilitates adjudication and ensures the realization of substantive justice. Accordingly, the central question that arises is whether, within the framework of Iranian criminal law, the criterion for establishing the link of attribution in criminal conduct is grounded in customary judgment or in expert opinion. Although the determination and establishment of this link ultimately rest with the judge, defining a clear criterion significantly facilitates the adjudicative process. The present study aims to examine the authoritative sources instrumental in this determination. Adopting a doctrinal approach and through a comprehensive review of scholarly views, it seeks to elucidate the function and evidentiary authority of each proposed criterion. While both customary judgment and expert opinion have their respective proponents, this article ultimately concludes, in light of the Islamic jurisprudential principle *al-jam‘ mahmā amkana awlā min al-tarḥ* (reconciliation is preferable to rejection whenever possible), that the proper criterion is «specialized custom» (*urf al-mutakhaṣṣis*), namely, customary judgment as informed by expert knowledge.

Keywords: Link of Attribution; Criminal Law; Customary Attribution; Expert Opinion; Criminal Liability.

Date Received: July 11, 2025 (1404/04/20 SH)

Date Accepted: December 09, 2025 (1404/09/18 SH)

1. Seminary Student (Levels II and III), Specialized Program of Islamic Jurisprudence and Law, Nawab Higher Islamic Seminary, Mashhad, Iran.
Email: sheikhhasan1377@gmail.com

2. Seminary Student (Level IV) and Lecturer of Postgraduate Studies, Khorasan Islamic Seminary, Mashhad, Iran.

Email: sadeghrezapour1312@gmail.com